

## تحلیل نقش عوامل ژئوپولیتیک در توسعه استان البرز

مهراب رجبی،<sup>۱</sup> حمیدرضا محمدی<sup>۲</sup> و عزت‌اله عزتی<sup>۳</sup>  
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۴/۲۴، تاریخ تایید: ۱۳۹۶/۸/۳۰

### چکیده

البرز، نویاترین و کوچکترین استان - در میان استانهای سی و یک‌گانه ایران - می‌باشد. ایران کوچک، قلب ایران، و جایگاه آموزش و پژوهش کشور، از جمله القاب است که به این استان داده شده است. چهارمین کلانشهر ایران - که با توجه به روند لجام‌گسیخته مهاجرت در ایران و مهاجرپذیری در البرز - پیش‌بینی می‌شود ظرف کمتر از پنج سال، با جمعیتی حدود هفت میلیونی، به دومین کلانشهر ایران بعد از تهران تبدیل شود، آمیختگی و پیوستگی شدید - مادی و معنوی - (جغرافیایی و انسانی اجتماعی) تهران و البرز، تأمین‌کننده حدود ۴۰ درصد آب‌شرب مصرفی پایتخت، از جمله ویژگی‌های ژئوپولیتیکی استان البرز می‌باشد. از آنجا که توسعه استان البرز، تأثیری مستقیم و موثر بر "امنیت و توسعه" تهران و ایران دارد، در تحقیق حاضر، تلاش شده است ضمن معرفی بیشتر البرز و بیان جایگاه آن در کشور، نقش عوامل ژئوپولیتیک در توسعه استان، مورد تحلیل قرار گیرد. ذکر این نکته نیز ضروری به‌نظر می‌رسد؛ از آنجا که - شاید به‌دلیل جدیدالتاسیس بودن استان - تاکنون تحقیق جامع و مستقلی در این خصوص صورت نگرفته (و در حقیقت مساله‌ای به این اهمیت نادیده انگاشته شده و یا به فراموشی سپرده شده بود) حقیر با مشورت با چند تن از اساتید و همچنین به توصیه تعدادی از صاحب‌نظران، اقدام به انجام پژوهش حاضر و انتشار این نوشته کردم.

کلیدواژگان: استان البرز، عوامل ژئوپولیتیکی، توسعه، مهاجرت.

۱. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی و احد علوم و تحقیقات.

۲. استاد دانشکده علوم زمین، گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول.

۳. استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

## مقدمه

سیاست جغرافیایی یا ژئوپلیتیک را دانش بُعد سیاسی علم جغرافیا توصیف کرده‌اند. با این نگاه ژئوپلیتیک تلاش دارد با مفهوم‌سازی و ایجاد رابطه بین عوامل ثابت و متغیر به تبیین و تفسیر وقایع پرداخته، تا اندازه‌ای آینده را پیش‌بینی کرده و سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و بایسته‌ها را در محدوده جغرافیایی خاصی (اعم از بخشی از قاره، کشور و یا استانی خاص از کشور) تعیین نماید. بسیاری از پژوهشگران جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، تلاش کردند تا روش‌های علمی را در جغرافیای سیاسی به‌کار بگیرند. این امر، واکنش مدافعان رهیافت‌های سنتی یا کلاسیک را موجب شد. در نتیجه، روش‌های دیگر ملهم از علم یا اثبات‌گرایی، مانند انتخاب عقلی و تجزیه و تحلیل ساختاری، توسعه یافت.

در مطالعات ژئوپلیتیک جغرافیدانان اغلب با برقراری رابطه بین عوامل جغرافیایی به خصوص (موقعیت، وسعت، جمعیت، منابع و غیره) و سیاست یک کشور سعی می‌کند به تفسیر وقایع و رویدادهای تاریخی پرداخته، آینده را پیش‌بینی و خط‌مشی سیاسی را تعیین نمایند.

در پژوهش حاضر با بررسی موقعیت ژئوپلیتیک استان البرز، تاریخچه و نقش این استان در تحولات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور و منطقه و موقعیت ویژه مواصلاتی سعی بر تبیین و معرفی بیشتر استان (قلب ایران) به‌منظور یافتن عوامل موثر بر توسعه استان و ارائه راهکارهایی جهت این توسعه با عنایت به اثرگذاری (مستقیم و غیرمستقیم) استان البرز (ایران کوچک) بر کشور اقدام شده است.

یوسف زین‌العابدین و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل مولفه‌های تأثیرگذار بر تحولات ژئوپلیتیک تالش» (همایش ملی تالش‌شناسی ۱۳۹۴) با مطالعه تاریخ و جغرافیای تالش به‌دلیل تحولاتی که این منطقه تاکنون تجربه کرده به‌لحاظ ژئوپلیتیک، از اهمیت خاصی برخوردار است. قرارگرفتن تالش در سرحدات امپراطوری‌ها (روسیه و ایران) و متأثر شدن آن از استراتژی‌های متفاوت کشورهای آذربایجان و ایران و برخورداری منطقه تالش به‌لحاظ انسانی و طبیعی از همگنی و یکپارچگی و از طرف دیگر، تقسیم آن به دو قسمت شمالی و جنوبی هویت خاصی را به آنها بخشیده است. لذا، منطقه تالش به‌عنوان عامل تأثیرگذار ژئوپلیتیک می‌تواند در بین اقوام مختلف منطقه از جمله ارمنی‌ها، آذری‌ها و اقوام دیگر و همچنین بین ایران و آذربایجان نقش‌آفرینی کند. به این معنا که توانمندی‌های اقتصادی، فرهنگی و مولفه‌های سیاسی منطقه تالش بر روابط ایران و آذربایجان تأثیرگذار هستند و این دو کشور را در تعیین استراتژی مشترک و مناسب جهت نیل به توسعه ملی و منطقه‌ای رهنمون خواهد کرد. از طرف دیگر، عدم توجه به نقش‌آفرینی تالش در استراتژی‌های دو کشور ایران و آذربایجان می‌تواند موجب واگرایی و منازعه در منطقه گردد. از این رو، در مطالعه حاضر، این سؤال مطرح است که نقش منطقه تالش در ایجاد همگرایی و واگرایی کدامند؟ هدف از پژوهش، تبیین توانمندی‌های بالفعل و بالقوه منطقه تالش در ایجاد توسعه و همگرایی و توجه به نقش‌آفرینی ژئوپلیتیک جدید منطقه تالش در مناسبات دو کشور ایران و آذربایجان می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با توجه به کم‌رنگ شدن نقش مرزهای سیاسی و تعاملات دولتها و ملتها، ایران و آذربایجان به‌طور مشترک با استفاده از توانمندی‌های منطقه تالش می‌توانند بر بسیاری از دشواری‌ها و کاستی‌ها فایز آیند و بستر و زمینه‌های سرمایه‌گذاری، ایجاد بازارچه‌های مرزی و مراکز توریستی به‌خصوص در حوالی خزر را فراهم سازند.

مرتضی ولی‌اله‌پور در تحقیقی با عنوان «بررسی تحلیلی واردات و صادرات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در

توسعه پیوندهای اقتصادی» (مرجع دانش ۱۳۹۳)، براساس رویکرد ژئوپولیتیک مطابق با سؤالات پژوهش به پارامترهایی نظیر سیاستهای وارداتی، سیاستهای صادراتی دولت، حقوق تجاری و همانند آن در زمینه صادرات و واردات توجه دارد. همچنین به میزان صادرات و واردات در فاصله زمانی سالهای ۱۳۹۲-۱۳۷۲ و به بررسی تغییر و تحولات واردات و صادرات بین‌المللی بعد از سال ۱۳۳۲ به دلیل اهمیت موضوع توجه شده است. در قسمت اول پژوهش، کلیات، تعاریف، و معیارهای اندازه‌گیری تجارت به همراه مبانی نظری و ادبیات اقتصادی موضوع ارائه شده است. در قسمت دوم با توجه به مطالعات تجربی در کشورها با رویکرد منطقه‌گرا و دسترسی به اطلاعات موجود، جریان‌های تجاری دوجانبه تعیین گردیده است. با نگاه به موقعیت جغرافیایی ایران پی‌خواهیم برد که جمهوری اسلامی ایران واسطه‌ای مابین دو ناحیه سرشار از انرژی در جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر است. دسترسی به آبراه‌های بین‌المللی آن را به عنوان یکی از قطب‌های بالقوه صادرات قرار داده است. بدون تردید در کشور ما که تجارت خارجی، ابزار دستیابی به رشد بالاتر اقتصادی، اشتغال بیشتر و کمک به توسعه پایدار به‌شمار می‌آید، بهره‌گیری خردمندانه در راستای برنامه‌ریزی سازمان‌یافته، مطابق با رشد روزافزون اقتصاد جهانی می‌تواند ما را در بهبود کارایی تجاری، حضور فعال در عرصه تجارت برون‌مرزی و تقویت جمهوری اسلامی ایران در بازارهای منطقه‌ای کمک نماید و نهایتاً مانع از شکست و آسیب‌پذیری تجاری در عرصه بین‌الملل گردد.

محمدرضا حافظ‌نیا و زهرا احمدی‌پور در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نظری فلسفی علل تداوم رقابت‌های ژئوپولیتیک در روابط بین‌الملل پس از فروپاشی بلوک شرق» (شماره ۱۱ علمی پژوهشی ۱۳۹۰) عنوان کرده‌اند: پس از پایان جنگ سرد دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی درباره ماهیت و چگونگی ادامه رقابت در روابط بین‌الملل مطرح گردید. پاره‌ای از اندیشمندان این حوزه بر این اعتقاد بودند که با پایان گرفتن رقابت‌های ایدئولوژیک در سطح کلان و سیطره غیرقابل هم‌آورد ایدئولوژی لیبرالیسم دیگر مبنای برای ادامه رقابت مابین کشورها و بلوک‌های قدرت وجود ندارد و جهان از این زمان به بعد حداقل در سطح کلان دوره‌ای از صلح لیبرالی را تجربه خواهد کرد. در نقطه مقابل پاره‌ای دیگر از اندیشمندان بر این اعتقاد بودند که سرشت ذاتی انسان و فضای جغرافیایی، به‌عنوان مکان و محل زیست انسان به گونه‌ای است که به‌صورت مبنایی عامل رقابت را میان گروه‌های متشکل انسانی و حکومت‌ها بازتولید خواهد نمود و در فرایندهای تاریخی تنها ممکن است که شکل‌واره‌های رقابت در زمان‌های مختلف دچار تغییر گردد. بر این مبنای، در این مقاله کوشش شده است با رویکردی توصیفی-تحلیلی فلسفه جغرافیایی تداوم عامل رقابت در روابط بین‌الملل تبیین گردیده و شکل‌واره‌های روبنایی آن بررسی گردد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که به‌طورکلی کالبد جغرافیای سیاسی جهان حائز شرایطی است که به‌عنوان یک عامل زیرساختی در روابط بین‌الملل، عامل رقابت را در زمان‌های مختلف مابین کشورها و بلوک‌های قدرت بازتولید خواهد نمود.

محمدرئوف حیدری فر در مقاله‌ای با نام «ارزیابی روابط متقابل ژئوپولیتیکی مفاهیم توسعه و امنیت» (چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی ۱۳۹۵) بیان نموده‌است که ژئوپولیتیک علم مطالعه روابط قدرت در عرصه جهان سیاسی می‌باشد. بازیگران اصلی این عرصه یعنی حکومت‌های ملی تعیین‌کننده معاملات بین‌المللی می‌باشند. در این زمینه، رقابت برای کسب قدرت از طریق تقویت شاخص‌های توسعه در میان کشورهای مختلف مدنظر قرار گرفته تا از این طریق وزن ژئوپولیتیکی و قدرت چانه‌زنی جهت تامین منافع ملی

و البته ایجاد امنیت افزایش یابد. به همین دلیل، این مقاله با رویکردی جدید به نقش و تاثیر عامل توسعه بر افزایش امنیت و قدرت توجه ویژه‌ای دارد. روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و کار جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. براساس نتایج تحقیق امروزه با توجه به گسترش مفهوم امنیت، دیگر دولت‌ها تنها مسئول تامین آن نیستند و ناچارند بخشی از اقتدار خود را به نهادهای بین‌المللی و جهانی واگذار نمایند. از نظر جغرافیای سیاسی، آن دولت‌هایی فروپاشند و امنیت سرزمین خود را از دست می‌دهند که نتوانند متناسب با تحولات شتاب‌دار جهانی و شناوری هویت‌ها، نمادگذاری‌های ملی را باز تعریف کنند.

افشین متقی و مصطفی رشیدی در مطالعه‌ای با عنوان «جغرافیا، برساخت‌گرایی و تبیین برساخت‌گرایانه ژئوپلیتیک» با بررسی هارمونی و همسازی که بین جغرافیا و نظریه برساخت‌گرایی وجود دارد و تبیین برساخت‌گرایانه ژئوپلیتیک به معرفی رویکرد نو در ژئوپلیتیک تحت‌عنوان ژئوپلیتیک برساخت‌گرا پرداختند. در این پژوهش، سولاتی از قبیل چه هارمونی و هم‌سازی بین جغرافیا و رویکرد برساخت‌گرایی وجود دارد؟ مفاهیم پایه در تبیین برساخت‌گرایانه از دانش ژئوپلیتیک کدامند؟ پاسخ داده شده است. در این پژوهش، مطالبی راجع به جبرگرایی محیطی، جبرگرایی درون‌مدرن، مکاتب تعیین‌گرا و جبر محیطی، امکان‌گرایی دیدگاه کروئولوژی، دیدگاه سازمان فضایی، جغرافیای رادیکال پرداخته شده است و در یافته‌های تحقیق با استناد به برساخت‌گرایی و مفاهیم بنیادی و فلسفی آن و هستی‌شناسی در برساخت‌گرایی، و جایگاه ایست‌خارجی در ژئوپلیتیک و برساخت‌گرایی به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد برساخت‌گرایی در زمینه هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی نزدیکی و همسازی بسیار زیادی با دانش ژئوپلیتیک دارد. همان‌طور که ژئوپلیتیک با تصویری ترکیبی از پدیده‌های سیاسی در عرصه جهان معتقد است که پدیده‌ها هم می‌توانند ذهنی و هم عینی و یا ترکیبی از این دو حالت باشند. رویکرد برساخت‌گرایی نیز، بر این واقعیت تاکید دارد. علاوه بر این، در مبحث شناخت‌شناسی نیز از لحاظ شناسایی پدیده‌ها هم از طریق تفهیم و هم تبیین ژئوپلیتیک و برساخت‌گرایی مسیر معتدل و ترکیبی از دو روش را در پیش می‌گیرد و سرانجام در روش‌شناسی نیز هر دو از اثبات و تفسیر پدیده‌های مورد مطالعه بهره می‌برند در زمینه هویت و ساختار معنایی نیز اعتقاد به تغییر هویت‌ها و بازتولید ساختار معنوی که در رویکرد برساخت‌گرایی مطرح است. دانش ژئوپلیتیک نیز که دائماً به تغییرات عرصه ژئوپلیتیکی جهان و تحولات فضایی-سیاسی توجه دارد می‌تواند از رویکرد برساخت‌گرا بهره‌برد. همان‌طور که در جغرافیا و به‌ویژه ژئوپلیتیک به عوامل مادی و منافع در عرصه بازیگری توجه می‌شود در رویکرد برساخت‌گرایی نیز این دو مساله به‌صورت کاملاً جدی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این اشتراکات به طراحی مدلی تحت‌عنوان ساختار ژئوپلیتیکی می‌انجامد که دارای سه زیر ساختار: معنایی، منافع و مادی است. این ساختار ژئوپلیتیکی مدلی کلان و پویا و جامع برای تحلیل رفتارهای سیاسی کنش‌گران در عرصه سیاست خارجی است. پیوند بین ساختارهای معنایی کنش‌گران و منافع و محیط مادی آن‌ها نیز مسئله‌ای است که به صورت ضمنی در ژئوپلیتیک مدنظر و بر ساخت‌گرایی نیز به‌صورت گسترده‌ای نیز برای این مبحث چارچوب نظری و عملی و قابل‌توجهی فراهم نموده است که ژئوپلیتیک می‌تواند از این توانمندی‌ها بهره‌مند شود. مباحث و تحلیل‌های بر ساخت‌گرایی که در مورد سیاست خارجی و ماهیت رفتار و جایگاه دولت نیز با مفاهیمی هم‌ساز و هماهنگ است و از این‌رو، نظریه برساخت‌گرایی می‌تواند بستر مناسبی را برای تحلیل‌های ژئوپلیتیکی فراهم نماید. در کل می‌توان گفت برساخت‌گرایی می‌تواند با تبیینی ژئوپلیتیکی به‌عنوان

پشتوانه‌ای مناسب برای دانش ژئوپولیتیک باشد و این گونه نظریه‌ها می‌تواند در غنای ژئوپولیتیک نقش مهمی را ایفا نماید.

### یافته‌ها و بحث

البرز دومین استان مهاجرپذیر در ایران - بعد از تهران- است. پیش‌بینی شده است تا دو دهه آینده حدود نیمی از جمعیت کشور در منطقه جغرافیایی البرز متمرکز شوند و گفته شده است بخش قابل توجهی از این مهاجران در استان البرز مواء گزینند (استاندار البرز جمعیت عنوان کرده است جمعیت کرج تا سال ۱۴۰۰ به مرز هفت میلیون نفر برسد این مساله را می‌بایست به‌عنوان یک هشدار تلقی کرده و نمی‌بایست به سادگی از آن عبورکرد در صورت تحقق چنین امری پیش‌بینی‌های دقیق صورت نگرفته و بسترهای لازم فراهم نگردد.

به‌نظر می‌رسد زمینه‌سازی و فراهم کردن امکانات، همگن با رشد جمعیت و به موازات مهاجرت‌ها صورت نمی‌گیرد. به‌عبارت دیگر، فراهم‌سازی زیرساخت‌ها، متناسب و همگن با سیر مهاجرت‌ها نمی‌باشد. در چنین شرایطی تعادل میان سه عنصر اساسی برای زیست مطلوب، یعنی "آب و غذا و انرژی" به هم خواهد خورد. در شهرهایی همچون هشتگرد و فردیس اینک عواقب ناشی از این برهم خوردن تعادل مشاهده می‌شود. برای این وضعیت ناامیدکننده - که خشکسالی یکی از عوامل به‌وجود آورنده آن می‌باشد- باید چاره‌اندیشی شود. توجه (توسعه‌نگر) به سواحل طولانی خلیج فارس و تلاش برای توسعه همه‌جانبه این ناحیه از کشور به مانند آنچه در دیگر سوی این سواحل توسط کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس صورت پذیرفته، با هدف تشویق مهاجران به اسکان در این ناحیه وسیع از کشور و کاهش شمار داوطلبان مهاجرت به منطقه البرز، به‌عنوان یکی از راه‌حل‌ها می‌تواند در دستور کار قرار گیرد<sup>۱</sup>.

تمایل دارم این منطقه یاد شده از کشور، "هلال سبز" - از خراسان تا اردبیل و آذربایجان - را "هلال مهاجرپذیر" بنامم. در آن صورت استان‌های تهران و البرز - نقطه هدف مهاجران را - شاید بتوان قلب این هلال و به‌منزله بهشت مهاجران تلقی کرد.

البرز را "قطب علم و فناوری" لقب داده‌اند. به‌نظر می‌رسد این نام‌گذاری قدری شتاب‌زده و بدون در نظر گرفتن جوانب مختلف امر صورت گرفته باشد (همان‌گونه که بعد از نام‌گذاری، این حقیر مراتب را طی نامه‌ای به اطلاع استاندار وقت رساندم) چرا که استان‌های دیگری (البته به غیر از تهران) در کشور وجود دارند که در دریافت این لقب از اولویت و صلاحیت بیشتری برخوردارند. اصفهان، آذربایجان شرقی و استان مرکزی از جمله این استانها می‌باشند. شاید عنوان "البرز قلب ایران و جایگاه آموزش و پژوهش کشور" تجانس و موضوعیت مناسبتری برای این نام‌گذاری داشته باشد.

۱. تراکنش جمعیت در ایران به عوامل اجتماعی، اقتصادی (میزان درآمد، سرانه اشتغال)، سیاسی و جغرافیایی (میزان بارندگی، توپوگرافی زمین و حاصلخیزی خاک) ارتباط اساسی و مستقیم دارد. آمارگیری‌های جمعیت در سال‌های مختلف نشان داده است که جمعیت ایران از شمال به جنوب و از غرب به شرق روند کاهنده داشته است. هلال سبز، هلال حاصلخیز و داسه بارور اصطلاحی عمدتاً سیاسی است که به بخشی از خاورمیانه شامل بخش‌های شرقی دریای مدیترانه، بخش‌های خاوری رود نیل، کشورهای سوریه و عراق و بین‌النهرین را شامل می‌شود. این اصطلاح برای اولین بار در سال ۱۹۱۰ توسط جیمز هنری استاد دانشگاه شیکاگو وضع گردید. در ایران شاید بتوان مناطق پیرامون دو سلسله جبال البرز و زاگرس (مناطق شمال خراسان تا اردبیل و آذربایجان و همچنین از آذربایجان تا شمال خوزستان شامل استان‌های آذربایجان، کردستان، همدان، کرمانشاه و ایلام را) بدین نام خواند.

عباراتی همچون "قطعه اتصال" ایران و مهد کشاورزی کشور<sup>۱</sup> را نیز می‌توان به ایران کوچک نسبت داد. اهمیت استان و ویژه‌بودن آن موجب‌گشته تا بخشی از سرزمین "آب و خاک" استان، در کنترل عوامل مدیریتی خارج از استان قرار گیرد (پدیده‌ای که در هیچ‌یک از دیگر استان‌های کشور مشاهده نمی‌شود). محور ارتباطی کرج به چالوس (جاده چالوس که بهتر است از عبارت جاده البرز در نامیدن آن استفاده شود) و همچنین دو رود پر آب و حیات بخش (رود کرج و طالقان رود یا شاهرود) بخشی از سرزمین هستند که اعمال مدیریت و تصمیم‌گیری درخصوص آن خارج از اختیارات استاندار و دیگر عوامل اداری و اجرایی استان اعمال می‌شود.

از این‌رو، شاید مناسب باشد - آن‌گونه که درخصوص تعدادی از فرمانداری‌ها- رایج است، در مراتب اداری موجود در وزارت کشور، البرز را «استان ویژه» قلمداد کرد.

باز به‌دلیل ویژه‌بودن استان، تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) استان بسیار فراوان، متعدد و متکثر است. تاکنون نزدیک به ۴۰۰ سازمان مردم‌نهاد در البرز به ثبت رسیده است. بخش عمده‌ای از این سازمان‌ها در امور خیریه (کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، ایتم، کودکان کار، زنان خیابانی، سالمندان، از کارافتادگان، امور مرتبط با توان‌بخشی، مراکز مرتبط با مراقبت از آسیب‌دیدگان اجتماعی، مراکز ترک اعتیاد و...) فعالیت دارند. قابل توجه این‌که بعد از این موضوع، بیشترین تعداد سازمان‌های غیردولتی در البرز، در امور مرتبط به محیط‌زیست فعالیت دارند که این خود بیانگر اهمیت خاص و توجه ویژه به محیط‌زیست (آب، هوا، خاک، فضای سبز و حیات‌وحش) در البرز است. در بسیاری از امور فرهنگی به‌دلیل همجواری با تهران، البرز به‌شدت و به طرز معناداری تحت‌تاثیر بوده و زیر سایه آن قرار دارد. عدم برخورداری از سالن‌های تئاتر و سینما، نداشتن اماکن مناسب برای برگزاری کنسرت‌های موسیقی و به‌خصوص عدم برخورداری استان از مجلات فاخر و روزنامه‌های وزین، از جمله این تأثیرات می‌باشد. به‌عبارت دیگر، بازیگر، هنرپیشه و روزنامه‌نگار ترجیح می‌دهند آثار هنری خود را در تهران ارائه دهند. به همین سبب، فوتبالیست‌های برجسته استان نیز، ترجیح می‌دهند در باشگاه‌های تهران توپ بزنند.

برخی از محصولات کشاورزی استان از شهرت ملی (شاید هم بین‌المللی) برخوردارند. سیب‌زمینی فشنندی، آلیو برغانی و انگور کندری از جمله این محصولات می‌باشد. از سال گذشته و با حضور نمایندگانی از کشور هلند "لاله البرز (Alborz Tulipe)" نیز به ثبت جهانی رسید. نمادها (المان‌ها)ی سه‌گانه استان عبارت‌اند از:

- درخت ارس (که به گویش البرزی هورس خوانده می‌شود) به‌عنوان نماد گیاهی؛
- عقاب پرتلائی به‌عنوان نماد جانوری؛
- محوطه ازبکی (دژ مادها) به‌عنوان المان استان.

محیط‌زیست استان به‌شدت در حال تهدید و تخریب می‌باشد (بیشتر از دیگر نقاط کشور). شوربختانه علاوه بر آلودگی آب‌وخاک، شاهد انقراض گونه‌هایی از حیات‌وحش<sup>۲</sup> استان می‌باشیم. وسعت بسیار محدود استان، افزایش

۱. معبر تردد ۱۰ تا ۱۵ استان کشور البرز می‌باشد. این کوچکترین استان ایران نزدیک ۲۰ درصد بار ترافیک کشور را به دوش می‌کشد.

۲. حیات وحش را پاره‌ای از کارشناسان صرفاً به‌گونه‌های جانوری ارتباط می‌دهند. اما اغلب زیست‌شناسان حیات وحش را شامل گونه‌های جانوری و گیاهی و زیستگاه طبیعی آنان قلمداد می‌کنند.

شتابنده و روبه رشد که باعث تبدیل بافت‌های کشاورزی و زراعی به بافت مسکونی و تجاری می‌گردد و اختصاص هرچه بیشتر سهم حقایبه استان به تهران - از جمله حفر تونل حدود ۱۵ کیلومتری انتقال آب سد کرج از روستای خوزنکلا به ناحیه کن، که موجب افت شدید منابع سفره‌های زیرزمینی شده و تغییرات اکولوژیکی و پیامدهای اجتماعی ناگواری را به دنبال خواهد داشت - از جمله علل این دگرگونی‌ها و انقراض‌ها می‌باشد.

علاوه بر تونل یاد شده، تونلی دیگر به طول تقریبی ۸۰ کیلومتر (از پاشنه سد طالقان تا تهران، تصفیه‌خانه کن) کار انتقال آب البرز (طالقان) به تهران را برعهده دارد. تأثیرات تخریبی (ژئوآکولوژیکی) این تونل، از آنجا که همچون تونل قبلی بستر هیچ رودخانه‌ای را نمی‌خشکاند، از تونل خوزنکلا کمتر است. اما تخریب ناگهانی مسیر عبور لوله و شکاف احتمالی آن - به خصوص در ناحیه شهری کرج و گوهردشت - زیان‌ها و خسارات احتمالی فراوانی را به دنبال خواهد داشت<sup>۱</sup>. امری که بایست مورد توجه سازمان پدافند غیرعامل و سازمان‌های مرتبط با مدیریت بحران قرار گیرد.

از دیگر عوامل تخریب محیط‌زیست (و به خصوص آلودگی هوای استان که در دیگر استان‌ها کمتر شاهد آن هستیم) عبور بیش از بیست هزار کامیون در هر بیست و چهار ساعت، از محور اصلی ارتباطی استان است که از مرکز شهر کرج عبور کرده و تأثیرات تخریبی ویرانگری را به دنبال دارد!

مناطق چهارگانه حفاظت محیط‌زیست در ایران عبارت‌اند از:

- پارک ملی
- اثر طبیعی ملی
- پناهگاه حیات وحش
- منطقه حفاظت شده

استان البرز (به همراه استان تهران به دلیل آمیختگی و پیوستگی شدید دو استان) در تمامی این مناطق چهارگانه دخیل

۱. از دیگر عوامل خرابی و زیان‌رسانی ناشی از تخریب محیط‌زیست - مشخصاً در محدوده کرج - تجاوز لجام‌گسیخته به مراتع و حوزه‌های آب‌خون و آبخیز در شمال کرج می‌باشد. دست‌اندازی به طبیعت، تجاوز به مراتع، ادامه شیوه‌های سنتی چرای دام (انتقال دام به چراگاهها و نه انتقال علوفه به دامداری‌ها) و ساخت‌وساز در حریم رودخانه‌ها و مسدودکردن مجرای مسیل‌ها که همچنان بی‌وقفه ادامه دارد. شهر کرج را در مقابل حوادثی - همچون سیلاب‌های پنجاه ساله - بسیار ناایمن کرده است. از مسیر غرب به شرق کرج، از ابتدای کلاک تا خلیج‌آباد، حصار، دره وسیه، سرجوب، عظیمیه، تنگه درور، حسن‌آباد، گوهردشت، محمودآباد، سیاکلان، نهر دلمبر، آتشگاه، شاهین ویلا، باغستان، صوفی‌آباد، حصارک، کمال شهر و گورستان بهشت سکینه ده‌ها دره کوچک و بزرگ وجود دارند که در بستر همه این رودها ساختمان‌سازی (انبوه‌سازی) شده است. در صورت وقوع بارش‌های شدید و پرحجم (حتی در مدتی کوتاه) خطر وقوع سیلاب و تخریب اماکن و مناطق مسکونی و از بین رفتن صدها بلکه، هزاران انسان محتمل است. برخی از این دره‌ها عبارتند از: وی دره، میان‌دره، پیل‌دره، دره گدا، دره وسیه، رودخانه بزرگ کرج، تنگه و دره درور، دره آتشگاه، نهر دلمبر و دره سیاکلان.

خشکسالی (عمومی در کشور) یکی از عوامل اساسی بحران مهاجرت در کشور است. فراموش نکنیم - بوجدآمدن بحرانی سیاسی، نظامی و امنیتی همچون داعش - علاوه بر ریشه‌های سیاسی و توطئه‌های استعماری، تا حدودی به بحران خشکسالی که در دهه گذشته در بخش عمده‌ای از سرزمین‌های عراق و شام، روی داد، ارتباط دارد. علاوه بر بحران ناشی از خشکسالی، بحران‌هایی همچون: بحران آب، بحران نان، بحران آلودگی و بحران‌های متعدد اجتماعی - بیکاری، فقر، اعتیاد، طلاق، جرایم سازمان‌یافته (مافیایی)، خشونت، قتل و ... در البرز به دلیل ساختار اجتماعی و ترکیب جمعیتی، وقوع برخی بحران‌های پیش‌بینی نشده دیگر از قبیل "بحران دست‌فروشی" قابل پیش‌بینی می‌باشد!

عوامل بحران‌زای دیگری در استان وجود دارند که گویا متأسفانه از دید مسئولین امر پنهان مانده است. برای مثال تخریب احتمالی "پل حصارک" به هر دلیل، شرایط اضطراری ویژه‌ای را ایجاد خواهد کرد که در صورت عدم پیش‌بینی این مورد - و موارد مشابه - و عدم تهیه تدارکات و تجهیزات لازم می‌تواند منجر به بحران منطقه‌ای و ملی گردد، زیرا ارتباط نیمی از کشور قطع خواهد شد.

بوده و بخش‌هایی از هر دو استان به مراکز یاد شده اختصاص یافته است. کل جمعیت استان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، معادل ۲,۰۷۶,۹۹۱ نفر می‌باشد که از این تعداد ۱,۸۴۲,۴۶۴ نفر ساکن شهر و ۵۲۷,۵۲۷ نفر ساکن روستا هستند. بدین ترتیب درصد جمعیت استان نسبت به کل جمعیت کشور ۲/۹ درصد و ترتیب نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت استان ۸۸/۷ درصد و نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت استان ۱۱/۳ درصد می‌باشد.<sup>۱</sup>

استان البرز به سبب شرایط و موقعیت استثنائی خود در سال‌های اخیر، شتاب قابل توجهی را در توسعه صنعتی داشته و در شرایط فعلی به یکی از قطب‌های مهم صنعتی کشور تبدیل شده و با این روند شتابان در حال جذب سرمایه‌های مهم بخش صنعت و معدن می‌باشد. فرارگرفتن استان در مسیر جاده ترانزیت، آزادراه، راه‌آهن، هم‌جواری با استان‌های مهم جمعیتی و صنعتی، دسترسی به امکانات و تأسیسات زیربنایی تجهیز شده استانی و ملی و مزیت‌های نسبی آشکار شده استان البرز، شرایط مطلوبی برای فعالیت‌های صنعتی و تمرکز سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایجاد نموده است. همچنین، با توجه به شرایط مناسب اقلیمی عمده فعالیت‌های صنعتی استان در زمینه‌های صنایع فلزی، صنایع ساختمانی، صنایع غذایی، سلولزی و شیمیایی و صنایع معدنی می‌باشد.

جدول ۱: آمار و اطلاعات دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مستقر در شهر کرج

ردیف	نام دانشگاه/ مرکز آموزش عالی	دولتی / غیردولتی	تعداد اعضای هیأت علمی	تعداد دانشجویان	تعداد فارغ‌التحصیلان
۱	دانشگاه علمی کاربردی	دولتی	۱۲۴۴	۲۱۳۵۶	۲۵۶۱
۲	دانشگاه خوارزمی	دولتی	۳۸۴	۸۸۸۲	۱۵۴۸
۳	دانشگاه کشاورزی	دولتی	۵۳	-	-
۴	دانشگاه آزاد	غیردولتی	۵۵۷	۳۳۵۲۲	۶۴۶۹
۵	پردیس کرج (خوارزمی)	دولتی	-	-	-
۶	پیام نور	دولتی	۵۰	۳۰۱۸۸	۲۷۸۳
۷	پردیس کشاورزی و منابع طبیعی	دولتی	۲۰۹	-	-
۸	دانشگاه محیط‌زیست	دولتی	۴۳	۴۶۰	۲۱۵
۹	دانشگاه هنر	دولتی	۱۰۵	۱۱۳۱	۱۳۹
۱۰	آموزشکده فنی و حرفه‌ای پسران کرج	دولتی	-	۲۳۱۸	۵۵۰
۱۱	آموزشکده فنی و حرفه‌ای دختران کرج	دولتی	-	۱۷۴۱	۳۸۰
۱۲	دانشگاه علوم پزشکی البرز	دولتی	-	۱۱۴۲	۲۰۲
۱۳	مرکز تربیت مربی و پژوهش فنی و حرفه‌ای کرج	دولتی	-	-	-
۱۴	امیرکبیر کرج‌فردوسی کرج (تربیت معلم)	دولتی	-	-	-
۱۵	سما ملارد و هشتگرد و نظرآباد	غیردولتی	-	-	-
۱۶	هنر رسام	غیردولتی	۹	۱۳۱۵	۴۱
	جمع کل		۲۶۵۴	۹۲۰۵۵	۱۴۸۷۸

۱. جمعیت استان، با ارقام متفاوتی بیان شده است، استاندار البرز در مصاحبه آبان ماه ۱۳۹۵ با خبرنگاران که در حضور معاون سیاسی وزیر کشور - محمدحسین مقیمی - برگزار شد، اعلام کرد جمعیت استان از مرز ۳ میلیون نفر گذشته است. استاندار جدید البرز با ارائه گزارشی به شورای عالی امنیت ملی هشدار داده است که جمعیت البرز تا سال ۱۴۰۰ به حدود ۷ میلیون نفر افزایش یافته و کرج دومین کلان‌شهر ایران - بعد از تهران - خواهد بود.



در سال‌های اخیر، طول راه‌های روستایی توسعه بیشتری نسبت به راه‌های شهری داشته است. تعداد پل‌های زیر ۱۰ متر بیشترین تعداد پل را به خود اختصاص داده‌اند. بیش از ۷۵ درصد راه‌های استان آسفالت هستند، ۵۳ درصد راه‌های شهری استان را بزرگراه‌ها به خود اختصاص داده‌اند. ۸۴ درصد تعداد انواع وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت شماره‌گذاری شده مربوط به خودروهای شخصی است.

در سال ۱۳۹۴، بیشترین تعداد سفر و مسافر جابه‌جاشده درون‌استانی (براساس صورت‌وضعیت حمل‌مسافر) از طریق پایانه‌های مسافری مربوط به مردادماه و وسیله نقلیه عمومی اتوبوس بوده است که حجمی برابر ۱۹ درصد مسافران را شامل می‌شود و کمترین حجم مربوط به دی‌ماه با حدود ۲ درصد است. بیشترین تعداد سفر و مسافر جابه‌جاشده برون‌استانی براساس صورت‌وضعیت حمل‌مسافر از طریق پایانه‌های مسافری مربوط به شهریورماه با ۱۱ درصد و کمترین مربوط به تیرماه با ۷ درصد و توسط اتوبوس بوده است.

بیشترین وزن بار جابه‌جا شده توسط وسایل نقلیه باری عمومی جاده‌ای براساس بارنامه صادر شده در شهرستان ساوجبلاغ صورت گرفته است.

مهاجرت‌ها خود می‌تواند به عوامل تهدیدزا و فرصت‌آفرین تقسیم گردد. برخی از مهاجرت‌ها از جمله مهاجرت و اسکان کردهای شمال عراق در اواخر دهه چهل به کرج را می‌توان در زیرمجموعه فرصت‌ها قرار داد. نقطه مقابل آن که می‌توان تحت‌عنوان مهاجرت‌های تهدیدزا یاد کرد، مهاجرت برخی از اتباع پاکستانی به مناطقی از کرج (شاهین‌ویلا و باغستان) است که ناامنی، بزه و آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارند.

تقسیم‌بندی منطقه جغرافیایی به مناطق مختلف با توجه به ویژگی‌های اقلیمی، جمعیتی و بومی و نقش عامل جغرافیایی در توسعه عوامل زیر شامل:

**شهر:** گسترش غیرمنظم بافت شهری و بدون توجه به امکانات رفاهی و خدمات شهری از مهمترین معضلات کلان شهر<sup>۱</sup> کرج است. شهر کرج را می‌توان به صورت یک شهر خطی در امتداد محور قدیم کرج قزوین (خیابان تهران - خیابان قزوین) دانست که هرچه از محور فوق‌الذکر فاصله بیشتری بگیریم، امکانات شهری مانند خدمات حمل و نقل عمومی، دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی، مدارس، سینماها، پارک‌ها مشکل‌تر می‌شود. علاوه بر این معضل توسعه نامناسب قسمت‌هایی از شهر مانند: حسن‌آباد، اشتراکی، احدائی، زمین‌های خانم انصاری و موارد مشابه که عموماً در چهار دهه اخیر رخ داده است، منجر به دشواری کار شهرداری‌ها و سایر ارگان‌های خدمات‌رسان شده است. در سال‌های اخیر با جداشدن استان البرز از استان تهران و اختصاص بودجه استانی و جلوگیری از خروج منابع مالی و سایر امکانات، اقداماتی در راستای احداث پل‌ها، بزرگراه‌ها، تونل‌های شهری و پروژه قطار شهری (مترو) و بوستان‌های بانوان صورت گرفته است.

**روستا:** با توجه به گستردگی اقلیم کرج، روستاها را می‌توان به سه دسته: روستاهای حاشیه شمالی محور کرج قزوین (کوه پایه‌ای و کوهستانی)، حاشیه جنوب‌غربی و حاشیه جنوب و جنوب‌شرقی تقسیم‌بندی نمود. در ادامه تاثیرگذاری

۱. کرج در ردیف چهارمین کلان‌شهر ایران بعد از شهرهای تهران، مشهد و اصفهان قرار دارد تا چند سال قبل این شهر، دهمین کلان‌شهر ایران بود و آنگونه که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰ به دومین کلانشهر ایران - بعد از تهران - تبدیل خواهد شد. کلان‌شهر را معادل مادر شهر و metropolis معنا کرده‌اند.

هر یک از انواع روستاها در توسعه استان البرز مورد بررسی قرار گرفته است:

- **روستاهاى حاشیه شمال:** این روستاها به دلیل برخورداری از طبیعت بکر، آب فراوان و هوای پاک از استعداد ویژه در ایجاد پتانسیلی گردشگری و توریسم، اکو توریسم و گردشگری ورزشی برخوردار است، اما در این میان روستاهای پنجاه‌گانه واقع شده در محور جاده چالوس (جاده البرز) به دلیل ویژگی‌های توپوگرافی و مسائل مرتبط با خاک‌شناسی که ارائه تسهیلات از جمله گازرسانی را دشوار کرده است و همچنین ویژگی‌های اخلاقی و روحی ساکنان منطقه که پذیرای جمعیت‌های غیربومی و تغییرات فرهنگی ناشی از ورود توریست نیستند، توسعه را در این مناطق با مشکلاتی مواجه نموده است. ولی قسمتی از تولیدات باغی استان البرز به این نواحی اختصاص می‌یابد.<sup>۱</sup>
  - پیست‌اسکی خور، پیست اسکی دیزین، دیواره‌های سنگ‌نوردی منجمله دیواره سنگ‌نوردی پل‌خواب، طبیعت دلنواز برخوردار از چشمه‌های متعدد و زیبا از جمله عوامل موثر در توسعه این نواحی و تبع آن استان البرز می‌باشد.
  - **روستاهاى حاشیه جنوب‌غربی (واقع در دو سوی محور ارتباطی کرج و قزوین):** با توجه به ویژگی‌های توپولوژیکی و قرارگرفتن در بافت دشت و کوه‌پایه، این روستاها از استعداد بیشتری برای جذب سرمایه از طریق، جذب توریست، تأسیس شهرک‌های مسکونی، ایجاد کلپ‌های ورزشی<sup>۲</sup>، ایجاد باغ پرندگان، تأسیس موزه حیات‌وحش برخوردارند. و با توجه به توان اکولوژیکی زمین‌ها، کاشت‌های گلخانه‌ای، تولید نشاء و نهال پتانسیل توسعه‌ای فراوانی را در این نواحی به وجود آورده است.
  - **روستاهاى حاشیه جنوب‌شرقی (حد فاصل گرمدره، جنوب مشکین‌دشت و جنوب محمدشهر):** بیش از آن‌که شاهد توسعه همه‌جانبه باشیم در این مناطق، مناسبانه به نوعی آسیب‌های اجتماعی و پاره‌ای ناهنجاری‌ها - به‌طور نسبی بیشتر از مناطق پیشین ملاحظه می‌گردد.
- کمبود آب، بیابان‌زائی و تراکم رو به تزاید مهاجران و جمعیت غیربومی و شرایط آماده فیزیک زمین برای گریز از منطقه ارتکاب جرم، از مهمترین عوامل "بازدارندگی توسعه" هستند. البته نباید از نظر دور داشت که با وجود این تقسیم‌بندی‌ها، کرج همچنان به‌منزله یک شهر اقماری و حاشیه نشین برای تهران محسوب می‌شود.
- به‌رحال، با توجه به مهاجرپذیری و نقش خوابگاهی استان البرز، بسیاری از جمعیت این استان کارکنان بخش‌های صنایع و خدمات استان تهران هستند، بنابراین، در سن فعالیت اجتماعی (۲۰ الی ۶۰ سال) قرار دارند. همچنین مولید آنان نیز مطالبه برای امکانات آموزشی، تفریحی و رفاهی را در این استان ایجاد نموده است. این امر موجب شده در سال‌های اخیر، گسترش مناسبی در زمینه مکان‌های آموزشی و فرهنگی و تفریحی در استان مشاهده شود، ولی با توجه

۱. از جمله مسائل دیگری که موجب عدم توسعه و عدم تمایل سرمایه‌گذاری در این محور شده است، ترافیک فوق‌العاده سنگین این جاده و اعلام - گاه و بیگاه و در پاره‌ای موارد، از قبل اعلام نشده حالت ویژه - یکطرفه شدن - می‌باشد که زندگی را برای ساکنان دشوار و موجبات ناخشنودی بومیان را فراهم کرده است.

۲. ایجاد کلپ‌های اسب‌سواری و مراکز پرورش اسب از جمله این اماکن می‌باشند. پرتراکم‌ترین مراکز آموزش اسب‌سواری و باشگاه‌های سوارکاری کشور در این نواحی وجود دارد.

به جمعیت ۶۵۰،۰۰۰ نوجوانان و جوانان ساکن در این استان نسبت به سرانه جهانی، امکانات رفاهی در وضعیت مناسبی قرار ندارد. پتانسیل به وجود آمده ناشی از قشر جوان، می تواند در آینده نزدیک منجر به گسترش شاخص های توسعه در این استان گردد. همزمان - و تا اندازه ای پارادوکس گونه!- پیش بینی می شود در ده سال آینده، به شمار جمعیت سالمند البرز به گونه ای حیرت آور، افزوده شود. تا آنجا که به خاطر دارم، مطالعه قابل اعتنا و به دنبال آن اقدام قابل ملاحظه ای برای رویارویی به این وضعیت- برای مثال ساخت مراکز نگهداری از سالمندان و... - صورت نگرفته است. نکته قابل توجه، که به نظر می رسد، مطالعه آن می بایست به طور جدی در دستور کار قرار گیرد، تعریف جدید از استاندار (استاندار) و شهردار (شهرداری) و تبیین وظایف، مسئولیت و اختیارات این دو ارگان می باشد. در تهران و کرج و احتمالاً چند کلان شهر دیگر، در برخی موارد حیطه قدرت و نفوذ و اعتبار و بخصوص میزان درآمد و بودجه شهرداری، بسیار گسترده تر از استانداری است. در استان البرز، نزدیک ۶۰ درصد از امور استان، زیر نظر شهردار و شهرداری کرج، قرار دارد، عدم تعیین وظایف این دو سازمان و عدم تعریف و تبیین وظایف و شرح ساختار سازمانی و تشکیلاتی هریک، و همزمان عدم تعریف و تشریح وظایف و شرح مسئولیت های شورای شهر - برای مثال هنوز مشخص نشده این شورای شهرهای شهر (به طور اعم) بود و یا صرفاً شورای شهرداری ها می باشد - موجب ایجاد کندی و تکرار و سردرگمی و موازی کاری، در اداره استان خواهد شد. به شدت حس می شود که نیاز است بخشی از وظایف دولت به شهرداری های کلان شهرها واگذار گردد.

#### مراکز صنعتی استان البرز و نقش آن ها در توسعه

نقش شهرک های صنعتی را به عنوان یک عامل ژئوپولیتیک می توان به دو گونه در توسعه مدنظر گرفت: ابتدا، نقش این شهرکها در ایجاد توسعه و دیدگاه دوم، نقش صنایع در عدم توسعه پایدار شهرک های صنعتی استان البرز با هدف ایجاد رشد اقتصادی و توسعه پایدار ایجاد شده اند، ولی در برخی موارد، به علت کمبود امکانات (آب، برق، گاز)، عدم جامعیت مطالعات فاز صفر (مطالعات بالادستی) همچون آمایش سرزمین و صدور مجوزهای مکرر و موازی، جانمایی نادرست، مدیریت نامناسب، عدم رونق فضای کسب و کار، عدم پیش بینی بازار و همسوی بودن با تکنولوژی روز، فساد اداری، و مشکلات بانکی، فشارهای ناشی از مسائل اقتصادی (تحریم ها) نه تنها توسعه را برای این استان به ارمغان نیاورده اند، بلکه منجر گردیده اند سرمایه ای که می توانست در مسیر توسعه در سایر بخش ها مانند مراکز آموزشی و پژوهشی، حمل و نقل و خدمات مورد استفاده قرار گیرد، به صورت مناسب به کار گرفته نشود.

در ارتباط با جانمایی نامناسب به همین میزان بسنده می کنیم که شهرک صنعتی بهارستان، واقع در غرب شهرستان کرج و در ارتفاعات شمال کمالشهر در مسیر بادهای غالب (غربی شرقی) قرار دارد و آلودگی ناشی از فعالیت صنایع را به کرج - و گاه که سرعت وزش باد شدید است، این آلودگی ها به تهران سرایت می کند.

#### مراکز تاریخی و مذهبی استان البرز و نقش آن در توسعه

متأسفانه از آنجاکه البرز در طول تاریخ خود تا ۷ سال قبل بخشی از استان تهران بود، بالطبع بسیاری از امور البرز تحت الشعاع تهران و تصمیمات اخذ شده در پایتخت قرار داشت. یکی از مهمترین وجوهی که مورد فراموشی و

کم‌مهری قرار گرفت، آثار باستانی و ابنیه تاریخی بود. به‌عنوان نمونه می‌توان به عمارت شهرستانک معروف به کاخ ناصری اشاره کرد که می‌توان ادعا کرد بیش از ۷۰ درصد این بنای با عظمت تاریخی خصوصاً در چهار دهه اخیر، از بین رفت. بعد از تشکیل استان و اختصاص ردیف بودجه مرمت و بازسازی در چندسال گذشته و پس از ثبت فرهنگی اقداماتی در جهت حفظ، صیانت و مرمت آن صورت گرفت.

کاخ شمس (قصر مروارید) از دیگر ابنیه باشکوهی بود که در معرض نابودی و تاراج قرار گرفت. خوشبختانه این مرکز نیز در زمره آثار فرهنگی ثبت و رفع تصرف گردید و اینک اقدامات لازم به‌منظور احیای مجدد آن اعمال گردیده است.

نکته قابل ذکر اینکه دو مجموعه یاد شده و مجموعه‌های شبیه آن- که در البرز فراوانند از جمله: قصر سلیمانیه، کاخ رضاشاه و کاروانسرای ینگ‌امام - هرکدام از ظرفیت ایجاد اشتغال، کسب درآمد و در نهایت، فراهم‌کردن شرایط توسعه پایدار برخوردارند، اما تاکنون از این عوامل ژئوپلیتیک در توسعه استان هیچگونه استفاده‌ای نشده است.

#### مراکز آموزشی، پژوهشی و دانشگاه‌های استان البرز و نقش آن‌ها در توسعه

همانگونه که اشاره شد، البرز را با دارابودن بیش از ۱۲۰،۰۰۰ دانشجو، ۵،۰۰۰ عضو هیات علمی و بیش از ۵۰ دانشگاه، موسسه و مرکز تحقیقاتی، پژوهشی- که برخی از آن‌ها از جمله موسسه سرم‌سازی رازی حصارک، مرکز تحقیقات هسته‌ای کشاورزی، پزشکی و صنعتی، انستیتو پاستور، مرکز تحقیقات اصلاح بذر و نهال- قطب علم و فن‌آوری و جایگاه آموزش و پژوهش کشور لقب داده‌اند. اما به‌نظر می‌رسد این موقعیت ممتاز آن‌گونه که باید، در توسعه استان تأثیر ملموس و قابل مشاهده‌ای نداشته است. به‌کارگیری شیوه‌های کهن در امر آموزش، عقب‌ماندن از تکنولوژی روز، عدم مبادله مستمر و سازمان‌یافته استاد و دانشجو با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی معتبر جهان و بی‌انگیزگی عام نسبت به فراگیری علم از جمله دلایلی هستند که موجب شده تا توقعات لازم در مسیر توسعه برآورده نگردد.

#### نقش حمل‌ونقل جاده‌ای و بین‌المللی در توسعه استان البرز

قابل ذکر است که البرز نقطه تلاقی و حلقه اتصال حدود نیمی از استان‌های کشور با پایتخت می‌باشد. این موقعیت ژئواستراتژیک چنانچه با هوشمندی لازم مورد استفاده قرار گیرد، بدون شک نقش سازنده‌ای در توسعه استان خواهد داشت. اما متأسفانه این موقعیت ممتاز نیز نه‌تنها در خدمت توسعه استان قرار نگرفته، بلکه، شاید بتوان گفت فرصت تبدیل به تهدید شده و حمل‌ونقل جاده‌ای در البرز به عنصری "ضدتوسعه" تبدیل شده است.

خط‌آهن سراسری (تهران- تبریز)، بزرگراه تهران- کرج- قزوین و جاده مواصلاتی تهران و غرب و شمال‌غرب (جاده قدیم) از مسیرهای عمده حمل‌ونقل جاده‌ای می‌باشند. صرف‌نظر از اتومبیل‌های شخصی و اتوبوس‌های مسافربری، در طول شبانه‌روز بیش از ۲۰۰۰۰ کامیون از این مسیر تردد می‌نمایند. این میزان تردد لطمات غیرقابل جبرانی به محیط زیست استان وارد نموده و حتی موجب آنچه تحت‌عنوان "تغییر اقلیم" از آن یاد می‌شود، شده است. همچنین، هیچگونه عوارضی از این تردها دریافت نمی‌شود، در حالی که تمامی استان‌های همسایه البرز (مرکزی، استان‌های شمالی، و استان تهران) هر کدام مجزا عوارض عبور دریافت می‌دارند!

با پیشرفت سیستم‌های اخذ عوارض (سیستم‌های دیجیتال و الکترونیک) حذف جایگاه‌های دریافت عوارض، دلیل مناسب و توجیهی منطقی نیست.

علاوه بر سیستم دریافت عوارض، احداث مراکز قرنطینه محصولات (به‌خصوص دامی و کشاورزی) و ایجاد انبارها، سردخانه‌ها و میادین عرضه و همچنین تغییر در جانمایی گمرکات استان با هدف افزایش درآمدهای گمرکی می‌تواند قسمتی از آسیب‌های وارد شده به استان را جبران نماید.

پر واضح است که فرودگاه پیام و لزوم افزایش خدمات کمتی و کیفی و تبدیل بخشی از فرودگاه به خدمات مسافری از جمله دیگر مواردی است که می‌بایست در سیستم حمل و نقل استان مورد بازبینی قرار گیرند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سلامت هر پیکر به سلامت قلب ارتباطی تام، موثر و مستقیم دارد. البرز با توجه به آنچه گفته شد قلب ایران است. اگر این قلب به‌خوبی کار نکند، آثار مترتب بر آن سستی، خمودگی و نابسامانی را به سراسر ایران منتقل خواهد کرد. بدیهی است اگر از البرز و عوامل ژئوپولیتیکی موثر در توسعه پایدار و همه‌جانبه سخن می‌گوییم هدفمان دیدگاه جزیره‌ای نبوده بلکه، نگاه توسعه‌گرایانه به کل ایران، مدنظر است. بنابراین، بازنگری در قوانین کشوری و مقررات اداری، تعیین تهران و چند استان دیگر، ترجیحاً (استان‌های همسایه) به‌عنوان "استان‌های معین البرز" و نگاه واقع‌گرایانه - و نه صرفاً دیدگاه سستی که البرز را مکانی خوش آب‌وهوا برای استراحت و تفریح، و شهری گذرگاهی برای پُرکردن اوقات فراغت - به استان و عینیت‌های (جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی) از عوامل اصلی در توسعه همه‌جانبه استان خواهد بود. توسعه‌ای که بر اساس فرضیه "البرز قلب ایران و ایران کوچک" توسعه تهران و کل کشور را به دنبال خواهد داشت.

### کتابشناسی

۱. اسمیت، آدام (۱۳۵۷)، ثروت ملل، مترجم سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: پیام؛
۲. الهی، همایون (۱۳۶۵)، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی؛
۳. بولانی، کارل (۱۳۹۶)، دگرگونی بزرگ، خاستگاههای اقتصادی و سیاسی روزگار ما، مترجم محمد مالجو، تهران، شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب؛
۴. بخشی‌خانیک، غلامرضا، آلودگی محیط زیست، دانشگاه پیام‌نور؛
۵. حافظ‌نیا، محمد (۱۳۸۳)، اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک (مشهد، پاپلی)؛
۶. رجبی، مهرباب، مجموعه کتابهای پنج جلدی البرز نامه؛
۷. رات، ویلسون (۱۳۹۲)، طبیعت و کودک خردسال، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده؛
۸. سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲)، عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران، تهران: نشر فرزاد روز؛
۹. شکوهی، حسین (۱۳۷۰)، اندیشه‌های نو در جغرافیای سیاسی، تهران: گیتاشناسی؛
۱۰. عظیمی، حسین (۱۳۹۱)، مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی؛

۱۱. عباسی ولدی، بی‌تا، ایران جوان بمان، تهران؛
  ۱۲. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، ژئوپلتیک قرن ۲۱ انتشارات سمت؛
  ۱۳. میرحیدر، دره (۱۳۷۱)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت؛
  ۱۴. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت؛
  ۱۵. مورگنتا هانس، سیاست میان ملتها، ترجمه مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛
  ۱۶. مویر، ریچارد (۱۳۸۰)، در آمدی نو بر جغرافیای سیاسی، دره میرحیدر، نیروهای مسلح؛
  ۱۷. همایون، کاتوزیان (۱۳۹۱)، ایران جامعه کوتاه‌مدت، تهران، نشر نی؛
  ۱۸. یوسفی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۱)، انسوی نامواژگان (واژه‌شناسی تاریخی اماکن دو سوی البرز در حوزه‌های زبان تبری. تهران: پارپیرار؛
  ۱۹. بولتن‌ها، نشریات و گزارش‌های منتشر شده از سوی استانداری استان البرز، کرج؛
20. Marquita.K.Hill- understanding environmental pollution Zak – Chen – Iran’s nuclear policy. Washington Institute for Near East Policy – 2004.

Archive of SID